تفسیر نادرست تواتر در کلام نویسنده کتاب « نزول قرآن و رؤیای هفت حرف»

نکته آخر هم مسأله تواتر است. ایشان می‌گویند آن‌ها می‌گویند که «سبعة احرف» تواتر دارد. اما خب درست است؛ می‌گویی صحابه بیستویک نفر بودند که از حضرت نقل کردند. چون ابن جزری می‌گوید که من این‌ها را از بیستویک نفر از صحابه از حضرت نقل می‌کنم. می‌گوییم خب اگر بیستویک صحابه باشند متواتر هستند، اما مگر بیست و یک صاحبه در تواتر کافی است؟! متواتر چه زمانی است؟ زمانی است که در تمام طبقات متواتر باشد. بعد هم که متواتر نیست. این بیست و یکی خیلی خوب اما بعدش چه؟!

ببینید من در جلسات تابستان عرض کردم که این زیاد تکرار می‌شود؛ درست است که در تواتر باید جمیع طبقات متواتر باشند اما یک دفعه ذهن مخلوط می‌کند و خیالش می‌رسد هر فرد طبقه بالاتر باید خبر هر فرد طبقه پایین‌تر را به تواتر بیاورد. مثلاً اگر ده نفر یک واقعه‌ای را نقل کردند و با این ده نفر متواتر شدند، در طبقه بعدی باید از هر کدام از آن ده نفر، ده نفر نقل کنند، تا صد نفر بشوند. آیا منظور این است؟! اصلاً این نیست. این‌که می‌گویند باید در هر طبقه متواتر باشد اصلاً مرادِ این نیست. ببینید ده نفر واقعه‌ای را نقل کردند. از هر کدام از آن ده نفر تنها یک نفر نقل می‌کند اما نفرهای مختلفی هستند. یعنی ده نفر نقل می‌کنند، واحد عن واحد، ولی باز تواتر هست. لذا طبقات بعدی هم که از بیستویک صحابه نقل می‌کنند آن‌ها هم به حد تواتر هستند. درست است که از تک‌تک این بیستویک نفر برای ما به تواتر نقل نکرده‌اند اما آن بیست و یکی را ولو جدا جدا بیستویک نفر دیگر برای نقل کنند، برای تواتر کافی است. پس این شبهه‌ای که می‌گویند در تواتر باید همه طبقات متواتر باشد درست نیست. تصاعد هندسی نیست که هر نفر از طبقه بالا برای طبقه بعدی باید به تواتر نقل کند. این‌ها نکات مهمی است که من از این کتاب گفتم. علی ای حال زحمت علمی است. بحث‌هایی است که باید در کلمات بیایی و رفت‌وبرگشت شود تا حق معلوم شود.

شاگرد: اگر هر کدام از این بیستویک نفر قرائت مجزا داشته باشند در آن صورت باید هر کدام جداگانه تواتر داشته باشند.

استاد: از صحابه؟ ببینید علامه طباطبایی در نقل مهر تابان گفتند که هر کدام از این بیستویک نفر خودشان مصحف داشتند. هر کدام خودشان چند قرائت و اقراء داشتند که شنیده بودند. یا از خود حضرت یا از سائر صحابه. چون رسم بین صحابه اقراء بود. به یکدیگر اطمینان

داشتند، هر چه شنیده بود را برای دیگران هم اقراء میکرد ولو خودشان محضر حضرت اقراء را نشنیده بودند.

شاگرد۲: تا به حال ذیل حدیث حرف واحد استنادان کردهاید؟

استاد: بله، این را زیاد گفتهام. وقتی شما عند واحد را ترجمه میکنید و مرادف میآورید، میشود «نزل من عندک». نه «من عند واحد». اینها را چندین بار عرض کردم.

شاگرد: مرحوم فاضل تونی هم این بحث را در وافیه آوردهاند ولی خیلی اجمالی بحث کردهاند. این سبعه و عشره را کنار گذاشتهاند...

استاد: این را آوردهام. فایل هایش هست. مفصل رفتیم و مراجعه کردیم و از عباراتشان بحث کردیم که ایشان میخواهند چه بگویند. شاید سه-چهار فایل باشد.

شاگرد۲: عرض من این است که قرائات این افراد مختلف است و در طبقه بعدی نسبت به هر قرائت ده نفر باشند.

استاد: اینکه این بیستویک نفر خودشان قرائت دارند و مصدر و ماخذ نقل قرائات هستند، یک چیز است و اینکه این بیستویک نفر تصریح کردهاند حضرت فرمودهاند «نزل علی سبعة احرف» چیز دیگری است. اینکه ربطی به قرائات اینها ندارد. ابن جزری میگوید این بیستویک نفر تصریح کردهاند که حضرت فرمودهاند «نزل علی سبعة احرف»، پس نزول «علی سبعة احرف» نزد اهلسنت متواتر میشود. آنها ادعای تواترش را دارند.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 13:28:15 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 10:58:22 توسط ... .